

خصوصی سازی یا رشد طبیعی بخش خصوصی

احمد میدری*

تاریخ دریافت: ۸۶/۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۸۶/۵/۱۰

چکیده:

بهبود محیط کسب و کار امروزه به عنوان یک راهبرد اقتصادی شناخته شده است. این راهبرد، مکمل راهبرد خصوصی سازی است و برخی نیز حتی بر این باورند که رفع موانع بخش خصوصی یا همان بهبود محیط کسب و کار باید جایگزین خصوصی سازی شود. تجربه جهانی نشان می دهد رشد بخش خصوصی به دو روش ممکن است:

روش نخست، واگذاری دارایی ها و شرکت های دولتی به بخش خصوصی، و روش دوم، رفع موانع بخش خصوصی یا بهبود محیط کسب و کار است. منظور از محیط کسب و کار، عوامل مؤثر بر عملکرد واحدهای اقتصادی مانند کیفیت دستگاه های حاکمیتی، ثبات قوانین و مقررات، کیفیت زیرساخت ها و... است که تغییر دادن آنها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران بنگاه های اقتصادی است.

داعیه اصلی این مقاله آن است که بالاترین سطوح موفقیت در تجربه های موجود نصیب کشورهایی شده است که اولویت خود را روی بهبود محیط کسب و کار و ایجاد یک فضای رقابتی قرار داده اند و برای مشخص کردن این ادعا به صورت تطبیقی تجربه چین در برابر تجربه بلوک شرق سابق مورد ارزیابی قرار گرفته است و سپس تلاش شده است تا چارچوبی قابل عمل برای بهبود فضای کسب و کار ایران ارائه گردد.

هر چند به لحاظ نظری جمع این دو راهبرد ممکن است اما معمولاً کشورهایی که به دنبال خصوصی سازی بودند، از رفع موانع بخش خصوصی و بهبود محیط کسب و کار غافل ماندند و کشورهایی که راهبرد بهبود محیط کسب و کار را انتخاب کردند، در پی خصوصی سازی نبودند.

چین، راهبرد دوم و شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی راهبرد نخست را انتخاب کردند. چین در طول سه دهه بدون خصوصی سازی و تنها با فراهم نمودن محیط مناسب برای بخش خصوصی، سهم بخش خصوصی را از کمتر از ۲۰ درصد در پایان دهه ۱۹۷۰ به بیش از ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۴ افزایش داده است.^۱ اکثر کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق نیز با تکیه بر سیاست خصوصی سازی توانستند در کمتر از چهار سال سهم بخش خصوصی را به بیش از ۸۰ درصد افزایش دهند. اما رشد بخش خصوصی در این کشورها به فاجعه اقتصادی ختم شد و راهبرد بهبود محیط کسب و کار در چین به معجزه اقتصادی انجامید. در چین ۵۰۰ میلیون نفر از فقر نجات یافتند و در طول ۲۰ سال گذشته ۷۵ درصد از انسان‌هایی که در جهان از فقر مطلق نجات یافتند چینی بودند^۲ و در کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق تعداد فقرا به پنج برابر افزایش یافت.^۳

پیدایش نظریه بهبود محیط کسب و کار

تجربه کشور چین و تا حدودی ویتنام، مجارستان و لهستان این ایده را مطرح ساخت که برای تبدیل اقتصاد دولتی به اقتصاد غیر دولتی به جای راهبرد خصوصی سازی می‌توان از راهبرد بهبود محیط کسب و کار بهره گرفت. به عبارتی بدون خصوصی سازی و صرفاً با رفع موانع بخش خصوصی می‌توان اقتصاد دولتی را به اقتصاد غیر دولتی تغییر داد. این راهبرد را جوزف استگلیتز برنده نوبل اقتصاد، "رشد بخش خصوصی از پایین" و ژانوس کورنای اقتصاددانان مشهور دانشگاه هاروارد "رشد طبیعی بخش خصوصی" نامیدند.^۴ اگر در ابتدای دهه ۱۹۸۰، نظریه پردازان و سیاست‌گذاران اقتصادی بر خصوصی سازی تأکید داشتند، از اواخر دهه ۱۹۹۰ بهبود محیط کسب و کار موضوع کانونی محافل نظریه پردازی و سیاست‌گذاری اقتصادی بوده است. این تغییر در پارادایم سیاست‌گذاری، محصول تحولات اقتصادی مانند تجربه چین و اروپای شرقی و شوروی سابق از یک سو و طرح نظریات جدید اقتصادی از سوی دیگر است.

هرناندو دسوتو در طرح مفهوم محیط کسب و کار و سیاست‌گذاری برای رفع موانع

بخش خصوصی به عنوان راهبرد اصلی توسعه اقتصادی بیش از همه اقتصاددانان نقش داشته است. دسوتو اقتصاددان پرویی است که از ابتدای دهه ۱۹۸۰ موانع کسب و کار را در کشورهای درحال توسعه و پیشرفته به صورت تطبیقی مطالعه کرده است. محصول مطالعات او دو کتاب "راه دیگر" و "راز سرمایه" است. او در این دو کتاب نشان داد که چگونه موانع اداری در کشورهای درحال توسعه مانع رشد اقتصادی است و به گسترش فقر و بخش غیررسمی دامن می‌زند. به دلیل اهمیت اندیشه او در شکل‌گیری راهبرد بهبود محیط کسب و کار، مرور بسیار اجمالی نظریات او ضروری است.

دسوتو گذر به اقتصاد بازار را از طریق سیاست‌های مرسوم اقتصادی رد می‌کند:

"کشورهای جهان سوم و کمونیستی سابق، کم و بیش مشتاقانه، بودجه‌های خود را متوازن کرده، یارانه‌ها را کاهش داده، به سرمایه‌گذاری خارجی خوشامد گفته و موانع تعرفه‌ای را از میان برداشته‌اند اما پاداش تلاش‌هایشان ناکامی شدید بوده است. به بیان تلخ ماهاتیر محمد نخست وزیر اسبق مالزی، «از روسیه تا ونزوئلا، نیم دهه گذشته عصر مشکلات اقتصادی، درآمدهای ناپایدار، نگرانی و خشم و گرسنگی، شورش و غارت» بوده است... در آمریکای لاتین حمایت از بازارهای آزاد رو به زوال است؛ (ص ۲۵)"

از نظر دسوتو آمریکای لاتین از زمان استقلال از اسپانیا در دهه ۱۸۲۰ تاکنون چهار بار سعی کرده است نظام سرمایه‌داری را پیاده کند اما نتیجه این تلاش‌ها بی‌اثر یا فاجعه‌آمیز بوده است. از نظر او تلاش کشورهای بلوک شرق برای پذیرش نظام سرمایه‌داری به گسترش بی‌سابقه فقر و فحشا منجر شده است. سؤال اصلی دسوتو این است که چرا سرمایه‌داری در کشورهای غربی موفق و در سایر نقاط جهان شکست می‌خورد:

"نهاد زیرین و مبنایی نظام سرمایه‌داری چیست؟ هدف من در این کتاب این است که نشان دهم موانع مهمی که بقیه جهان را از استفاده از نظام سرمایه‌داری باز می‌دارد، عدم توانایی آنها در تولید سرمایه است. سرمایه، نیروی حیات بخش نظام سرمایه‌داری و مایه پیشرفت است. (ص ۲۸)"

او معتقد است در این کشورها پس‌انداز داخلی به وفور یافت می‌شود و جالب‌تر آنکه بخش عمده‌ای از این پس‌انداز در دست فقراست اما کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند از پس اندازه‌های خود استفاده کنند:

"در حقیقت ارزش پس‌اندازهای فقرا زیاد است: چهل برابر ارزش تمامی کمک‌های خارجی دریافت شده در سراسر جهان از سال ۱۹۴۵ به بعد. در هائیتی فقیرترین کشور

آمریکای لاتین کل دارایی های فقرا بیش از ۱۵۰ برابر ارزش تمامی سرمایه گذاری های خارجی است که از زمان استقلال آن کشور از فرانسه در سال ۱۸۰۴ دریافت شده است. (ص ۲۹)"

در واقع دسوتو برخلاف عموم اقتصاددانان کمبود پس انداز را علت توسعه نیافتگی نمی داند. تفاوت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تنها در یک چیز است:

"اکثر مردم فقیر این کشورها صاحب دارایی هستند اما فرآیندی ندارند که مالکیت آنها را نشان داده و سرمایه ایجاد کند. آنها خانه دارند ولی نه حق مالکیت، محصول دارند اما نه سند فروش، کسب و کار دارند اما نه شخصیت حقوقی. فراهم نبودن این نهادهای ضروری عاملی است که توضیح می دهد چرا مردمی که هرگونه اختراع غربی از گیره کاغذ تا راکتور اتمی را اقتباس کرده اند، نتوانسته اند سرمایه کافی تولید کنند و سرمایه های داخلی خود را به کار بیندازند. (ص ۳۱)"

براساس برآورد دسوتو ارزش سرمایه های راکد در آسیا ۱۷۵۰ میلیارد دلار، در آفریقا ۵۸۰ میلیارد دلار، در خاورمیانه و شمال آفریقا ۷۴۰ میلیارد و در آمریکای جنوبی ۸۹۰ میلیارد دلار است. (ص ۵۹)

دسوتو معتقد است فرآیند تبدیل پس انداز به سرمایه مولد، امری است که تاکنون اقتصاددانان از آن غافل مانده اند و هنوز هیچ نظریه ای برای پاسخ به آن تدوین نشده است. "نه اسمیت و پیروانش و نه مارکس و مارکسیست ها تاکنون نتوانسته اند به درک این ساز و کار دست یابند. (ص ۳)"

دسوتو با تیم تحقیقاتی اش که متشکل از ۱۰۰ کارشناس در رشته های مختلف مانند حقوق، اقتصاد و مدیریت بود به مطالعه میدانی در مورد موانع تبدیل پس انداز به سرمایه دست زد. آنها برای درک ناتوانی مردم فقیر در تبدیل پس اندازهای خود به سرمایه های مولد، یک کارگاه کوچک لباس دوزی در لیمای پرو تأسیس کردند. آنها در عمل دریافتند که برای تأسیس یک کارگاه کوچک به تعداد زیادی مجوز احتیاج است:

"هر روز شش ساعت برای این کار وقت صرف شد تا پس از ۲۸۹ روز و طی ۱۲۳۱ مرحله اداری توانستیم مجوز تأسیس بگیریم."

دسوتو مراحل اداری دستگاه های مختلف را در چند کشور در حال توسعه (پرو، مصر، هائیتی، فیلیپین) را با کشورهای پیشرفته مقایسه کرد. او نشان داد تفاوتی بسیار فاحش میان سرعت نظام اداری کشورها وجود دارد:

"اخذ مجوز برای ثبت املاک در فیلیپین به ۱۶۸ مرحله و ۱۳ تا ۲۵ سال زمان نیاز دارد و ثبت اراضی بایر در مصر ۶ تا ۱۴ سال زمان می‌برد."
 براساس نظریه او موانع سخت و جانکاه نظام اداری در کشورهای درحال توسعه، بخش خصوصی را به اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد غیر رسمی و غیر مولد سوق می‌دهد. در اینچنین فضای کسب و کاری سیاست‌های اقتصادی مرسوم مانند خصوصی سازی و سایر بسته‌های سیاستی از کار می‌افتند، سرمایه‌های خارجی در باتلاق نظام اداری غرق می‌شوند، سرمایه‌های مالی و انسانی به کشورهای پیشرفته فرار می‌کنند و تولیدکنندگان داخلی بازی اقتصادی را به رقبای خارجی واگذار می‌کنند. دسوتو نظام اداری را عامل همه این بدبختی‌ها می‌داند. دسوتو نشان می‌دهد که چگونه در کشورهای پیشرفته مانند آمریکا ابتدا نظام اداری متحول شد و سپس رشد مستمر اقتصادی میسر گردید. کتاب راز سرمایه آنچنان مورد استقبال قرار گرفت که اقتصاددانان نحله‌های مختلف آن را توصیه کردند و مراکز مختلفی مانند بانک جهانی به بسط اندیشه‌های دسوتو پرداختند.

موانع کسب و کار از نظر مدیران بنگاه‌ها

بانک جهانی برپایه اندیشه‌های دسوتو از اواخر دهه ۱۹۹۰ به تحلیل محیط کسب و کار در کشورهای مختلف پرداخت و گزارش سالانه توسعه جهانی ۲۰۰۵ را به فضای بهتر کسب و کار اختصاص داد.^۹ این گزارش به تحلیل محیط کسب و کار و تأثیر آن بر عملکرد اقتصادی پرداخته است. برای شناخت موانع کسب و کار از ۳۰ هزار بنگاه در ۵۳ کشور در حال توسعه نظرسنجی به عمل آمد. نتایج این نظرسنجی در جدول (۱) آمده است.

در این نظرسنجی از صاحبان کسب و کار خواسته شد موانع کسب و کار را با انتخاب گزینه‌هایی از فوق‌العاده مهم تا بی‌اهمیت رتبه‌بندی کنند. بیش از ۸۰ درصد شرکت‌های مصاحبه شده "عدم اطمینان نسبت به سیاست‌های دولت" را مانعی مهم اعلام نمودند. موانع فوق به دو دسته قابل تقسیم هستند.

دسته نخست عناصری که حکومت (قوای سه‌گانه) نقش بسیار برجسته‌ای در آنها دارد و رفتار حکومت، کیفیت آن را تعیین می‌کند. عدم اطمینان نسبت به سیاست‌ها، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، نرخ مالیات، و فساد از این جمله‌اند.

دسته دوم، موانع ناشی از بازار هستند. مهارت نیروی انسانی، دسترسی به زمین و

جدول ۱. موانع کسب و کار در ۳۰ هزار بنگاه در کشورهای در حال توسعه

درصد بنگاه‌هایی که آن را مهم دانستند	نوع مانع
۸۲	عدم اطمینان نسبت به سیاست‌ها
۷۹	بی‌ثباتی اقتصاد کلان
۷۵	تراخ مالیات
۷۲	فساد
۷۰	هزینه و سهولت دسترسی به منابع مالی
۶۳	گسترده‌گی جرایم اجتماعی
۶۲	مقررات مالیاتی
۶۱	مهارت نیروی انسانی
۶۱	نظام حقوقی و قضایی
۵۷	برق
۵۶	مقررات نیروی کار
۴۷	حمل و نقل
۴۰	دسترسی به زمین
۴۰	مخابرات

World Bank, 2005, "A Better Investment Climate for Everyone", P.5

خدمات حمل و نقل از جمله عناصر محیط کسب و کار محسوب می‌شوند که هر چند از سیاست‌های دولت متأثر هستند اما عموماً بازار نقش تعیین‌کننده‌تری در این عناصر دارد. اگر بازار این دسته از کالاها و خدمات به خوبی توسعه یافته باشد شرکت‌ها با صرف هزینه کمتر می‌توانند به این خدمات دسترسی یابند. به عبارت دیگر محیط کسب و کار متأثر از رفتار حکومت یا کیفیت بازار است و برای بهبود محیط کسب و کار حکومت باید وظایف خود را بهتر ایفا کند و بازار کالا و خدمات باید ضعف و نارسایی کمتری داشته باشد.

محیط کسب و کار و هزینه بنگاه‌ها

هزینه‌های محیط کسب و کار چند تأثیر مهم بر اقتصاد بجای می‌گذارد. اثر نخست، افزایش هزینه بنگاه‌هاست. محیط نامناسب کسب و کار، هزینه تولید و قیمت فروش را افزایش می‌دهد. براساس گزارش "فضای بهتر سرمایه‌گذاری برای همه" هزینه‌های محیط کسب و کار در کشورها بسیار متفاوت است. نسبت هزینه‌های محیط کسب و کار به قیمت

جدول ۲. نسبت هزینه‌های محیط کسب و کار به قیمت فروش کالا

نام کشور	هزینه‌های محیطی به ارزشی فروشی کالا (درصد)
لهستان	۹
چین	۱۴
برزیل	۱۵
الجزایر	۴۵
تانزانیا	۲۷

World Bank, 2005, "A Better Investment Climate for Everyone" figure 7

فروش کالا در بنگاه‌های چند کشور در جدول زیر آمده است. برای شرکت‌هایی که در تانزانیا فعالیت می‌کنند هزینه‌های محیطی مانند پرداخت رشوه، نامناسب بودن زیرساخت‌های حمل و نقل و هزینه‌های دادرسی، ۲۷ درصد ارزش فروش کالاها را تشکیل می‌دهد، اما همین نسبت در لهستان تنها ۹ درصد است. اگر شرکت‌های تانزانیایی به اندازه شرکت‌های لهستانی کارآمد باشند تنها به دلیل محیط متفاوت کسب و کار قادر به رقابت نیستند زیرا قیمت تمام شده کالاها در تانزانیا ۱۸ درصد بیش از لهستان است.

محیط کسب و کار و بخش غیر رسمی

یکی دیگر از نتایج محیط نامناسب کسب و کار، رشد بخش غیررسمی است. پیچیدگی مراحل اداری برای اخذ مجوزهای مختلف، مشوق و محرک رشد بخش غیررسمی است. افراد برای گریز از مقررات دست و پاگیر و مزاحمت‌های مختلف به کسب و کارهای غیررسمی دست می‌زنند. به دلیل همین محیط کسب و کار نامناسب، حجم بخش غیررسمی در همه کشورهای در حال توسعه بسیار زیاد است.

هرچند صاحبان مشاغل غیررسمی از مزیت‌هایی مانند فرار از مالیات سود می‌برند اما از گرفتن تسهیلات بانکی و ارتباط آسان با مشتریان محروم هستند و هر لحظه از سوی مأموران دولتی و نظارتی تهدید می‌شوند. عموم شاغلین بخش غیررسمی به دلیل محدودیت‌های مختلف نمی‌توانند فعالیت خود را گسترش دهند و محروم و فقیر باقی می‌مانند. اکثر شاغلین بخش غیررسمی فقیرند و با بازدهی اندک تنها نان بخور و نمیری

بدست می آورند. با روان سازی نظام اداری می توان حداقل بخشی از شاغلین غیررسمی را از اقتصاد زیرزمینی نجات داد و گامی در جهت کاهش فقر آنها برداشت. از همین رو بهبود محیط کسب و کار، راهبردی برای فقرزدایی نیز محسوب می شود.

محیط کسب و کار و شرکت های بزرگ و کوچک

محیط نامناسب کسب و کار مانع رشد شرکت های کوچک و متوسط است. شرکت های کوچک بیش از شرکت های بزرگ از محیط نامناسب کسب و کار آسیب می بینند. شاید شرکت های بزرگ بتوانند با تأثیرگذاری بر سیاست گذاران و یا پرداخت های غیرقانونی محیط کسب و کار را تا حدودی برای خود هموار سازند اما صاحبان مشاغل کوچک منابع محدودی برای پرداخت های غیرقانونی دارند و معمولاً فاقد روابط مؤثر با سیاست گذاران هستند.

محیط نامناسب کسب و کار هزینه های بیشتری بر شرکت های کوچک تحمیل می کند. به طور مثال میزان توسعه نظام مالی یکی از عناصر بسیار تعیین کننده در محیط کسب و کار است و شرکت های کوچک بیش از شرکت های بزرگ از نظام مالی معیوب آسیب می بینند.^{۷۶} بانک ها تمایل دارند با شرکت های بزرگ کار کنند و منابع خود را در اختیار آنها قرار دهند زیرا ارزیابی وضعیت شرکت های بزرگ بسیار آسان تر از شرکت های کوچک است. از سوی دیگر احتمال ورشکستگی در اثر نوسانات اقتصادی در شرکت های کوچک معمولاً بیشتر است و از همین رو بانک ها ترس بیشتری در دادن اعتبار به شرکت های کوچک دارند. شرکت های کوچک از راه یافتن به بازار سهام و اوراق بهادار تقریباً محرومند و بنابراین تنها منبع تأمین مالی آنها نظام بانکی است که رغبت چندانی در اعطای اعتبار به آنها ندارد.

شرکت های بزرگ قدرت بیشتری در تأثیرگذاری بر محیط پیرامون خود دارند. آنها می توانند با استفاده از رسانه ها و ارتباط مستقیم با سیاست گذاران و صرف هزینه های تبلیغاتی و سایر ابزارهای مؤثر بر افکار عمومی، مشکلات خود را به تصمیم گیران انتقال داده، محیط را به نفع خود تغییر دهند و از تغییرات ناخواسته تا حد زیادی جلوگیری کنند. البته قدرت شرکت های بزرگ در ایجاد این تغییرات نیز محدود است و به هر حال، آنها نیز متأثر از تصمیمات دولت و نقائص بازار هستند اما قدرت آنها در مقایسه با شرکت های کوچک بیشتر است.

هرچند شرکت های کوچک بیش از شرکت های بزرگ از محیط نامناسب کسب و



کار آسیب می بینند اما شرکت های بزرگ نیز خواهان محیط مناسب کسب و کار هستند. شرکت های بزرگ در محیط نامناسب متحمل هزینه های سنگین می شوند و نمی توانند با رقبای خود که کالاهایشان را به اقاصا نقاط جهان صادر می کنند رقابت کنند. شرکت های بزرگ در محیط های مناسب کسب و کار می توانند کارهای خود را برون سپاری کنند و هزینه های خود را کاهش دهند. در محیط نامناسب کسب و کار خود تأمین به جای برون سپاری به بزرگ شدن نادرست شرکت و افزایش هزینه های بنگاه می انجامد.

محیط کسب و کار نامناسب از یک سواز بزرگ شدن شرکت ها جلوگیری می کند و از سوی دیگر موجب بزرگ شدن بی قواره و نابجای شرکت ها می شود. در پرتوی محیط امن اقتصادی و سیاسی است که شرکت ها بزرگ و جهانی می شوند. در حالی که شرکت های تولیدی در کشورهای در حال توسعه بخش عمده ای از وقت خود را صرف خنثی سازی مزاحمت های محیطی می کنند شرکت ها در کشورهای پیشرفته بدون ترس از شوک های سیاسی و اقتصادی تنها به جلب رضایت مشتری و به نوآوری و بیرون کردن رقبای خود مشغول هستند. اگر شرکت های بزرگ در کشورهای پیشرفته تولید قطعات را به شرکت های کوچک سفارش می دهند به محیط کسب و کار پایداری از جمله قوه قضائیه ای تکیه دارند که عادلانه حکم می کند و سهل الوصول و ارزان است.

بنابراین محیط نامناسب کسب و کار مانع رشد بخش خصوصی و عامل تشدید فقر است. شرکت های بزرگ و کوچک همه از محیط نامناسب کسب و کار آسیب می بینند. از همین رو ادعای گزافی نخواهد بود که "راهبرد بهبود محیط کسب و کار راهبردی برای رشد بیشتر و فقر کمتر است".

مزیت های راهبرد بهبود محیط کسب و کار

طرفداران راهبرد بهبود محیط کسب و کار نه تنها این راهبرد را به عنوان شرط رشد بخش خصوصی ذکر می کنند بلکه بر این اعتقادند که این راهبرد باید جایگزین راهبرد خصوصی سازی شود. دلایل زیر برای کنار گذاشتن سیاست خصوصی سازی و گسترش رشد بخش خصوصی از طریق بهبود محیط کسب و کار اقامه می شود:

- خصوصی سازی ممکن است با تنش های سیاسی و اجتماعی همراه باشد اما بهبود محیط کسب و کار بدون تنش سیاسی و اجتماعی است.

● بهبود محیط کسب و کار رقابت را تقویت می‌کند اما خصوصی سازی لزوماً به تقویت رقابت نمی‌انجامد.

● شرکت‌های دولتی محل مناسبی برای جذب و فعالیت مالکان و مدیران خصوصی نیستند.

شرکت‌های دولتی عموماً با مازاد نیروی انسانی روبرو هستند و خصوصی سازی حداقل این ترس را در دل نیروی انسانی می‌اندازد که از کار اخراج خواهند شد. هرچند این ترس ریشه در واقعیت دارد و تعدیل نیروی انسانی یکی از اولین دستور کارهای مدیر و مالک خصوصی است اما حتی در مواردی که خصوصی سازی با کاهش نیروی انسانی شاغل در شرکت همراه نباشد کارکنان با توسل به ابزارهای مختلف در برابر خصوصی سازی مقاومت می‌کنند.

خصوصی سازی در بسیاری از کشورها با واکنش‌های شدید همراه بوده است. انگلستان که اولین تجربه خصوصی سازی در جهان را به اجرا درآورد، با تظاهرات گسترده خیابانی اتحادیه‌های کارگری و ناآرامی‌های اجتماعی روبرو شد. در ترکیه، مصر، شیلی، آرژانتین، نیجریه و بسیاری از کشورهای دیگر، کارگران دست به راهپیمایی و تظاهرات علیه خصوصی سازی زدند.^{۱۱}

از نظر طرفداران راهبرد بهبود محیط کسب و کار، رقابت عنصر اساسی در عملکرد بهتر اقتصادی است و تغییر مالکیت از بخش دولتی به بخش خصوصی می‌تواند سدی در برابر رقابت ایجاد کند. بخش خصوصی خواهان رقابت نیست. منافع هر فرد در بخش خصوصی ایجاب می‌کند که از رقابت جلوگیری کند. صاحبان شرکت‌های واگذار شده تمایل دارند تعداد رقبا محدود بماند و دولت برای جلوگیری از رقابت بیشتر، تعرفه‌ها را افزایش داده و به دیگران اجازه ورود ندهد. در راهبرد بهبود محیط کسب و کار از ابتدا بر افزایش رقابت تأکید می‌شود و خطر تشدید انحصار بسیار کمتر از سیاست خصوصی سازی است.

استدلال دیگری نیز به نفع راهبرد بهبود محیط کسب و کار ارایه می‌شود. شرکت‌های دولتی بیش از آن بیمارند که با خصوصی سازی درمان شوند. شرکت‌های دولتی باتلاقی هستند که نباید سرمایه‌ها و مدیران بخش خصوصی را اسیر آن ساخت. شرکت‌های دولتی از ابتدا بیمار متولد شده‌اند. دولت برای اهداف اجتماعی یا سیاسی شرکتی را در یک منطقه تأسیس می‌کند، نماینده مجلس برای مقبولیت اجتماعی یا از سر دلسوزی بر مدیران

اجرای فشار آورده و آنها را به تأسیس یک شرکت دولتی در حوزه انتخابیه خود ترغیب یا تهدید می‌کند. مکان‌یابی بر اساس ملاحظات غیراقتصادی، هزینه‌های گوناگون بر شرکت تحمیل خواهد کرد که شاید رقابت‌پذیری آن شرکت را برای همیشه منتفی سازد. پس از تأسیس نیز شرکت دولتی در معرض مسائل و آفت‌های مختلف قرار دارد. برای نظارت بر شرکت دولتی، دستگاه‌های نظارتی مختلفی از سوی سه قوه مجریه، قضائیه و مقننه در شرکت مستقر می‌شوند. ناظران سه قوه گاهی بیش از آن که ناظر باشند بدنبال کسب امتیاز هستند. رابطه ناظر و مجری در شرکت‌های دولتی به دادن امتیاز از یک سو و چشم‌پوشی از سوی دیگر تبدیل می‌شود. ناظری که به رده مدیریتی راه یافته است برای تثبیت یا ارتقای موقعیت شغلی خود باند و گروه غیررسمی در شرکت تشکیل می‌دهد. شبکه‌ای در شرکت بوجود می‌آید که مدیر عامل و مدیران ارشد را از تحول باز می‌دارد. پس از خصوصی سازی، این شبکه کنار گذاشته نمی‌شود و مدیر جدید نیز باید با آن مصالحه کند. هزینه این مصالحه را سهامداران کوچک پرداخت می‌کنند.

در مجموع راهبرد بهبود محیط کسب و کار به جای واگذاری شرکت‌های دولتی بر افزایش کارایی این شرکت‌ها و افزایش رقابت میان بخش خصوصی و دولتی تأکید دارد. ۱۲. خصوصی سازی به عنوان رویکرد اصلی در برخورد با شرکت‌های دولتی رد می‌شود و تنها در موارد محدودی توصیه می‌گردد.

شیوه‌های سنجش محیط کسب و کار

اگر محیط کسب و کار یک راهبرد برای دستیابی به رشد بیشتر و فقر کمتر است چگونه می‌توان فضای سرمایه‌گذاری و محیط کسب و کار را بهبود بخشید؟ چه سیاست‌هایی برای ارتقای محیط کسب و کار وجود دارد؟ قبل از پاسخ به این سؤال باید معیارهای خوب بودن محیط کسب و کار مشخص شود. چه محیطی برای کسب و کار مناسب است و چه شرایطی موجب می‌شود که محیطی را نامطلوب بدانیم؟

دو شیوه برای سنجش یا شناخت مشکلات محیط کسب و کار و موانع رشد بخش خصوصی وجود دارد. روش نخست نظرسنجی و پرسش از صاحبان کسب و کار است. در این روش از دست اندرکاران بخش خصوصی خواسته می‌شود موانع کسب و کار در حوزه فعالیت خود را بیان و رتبه بندی کنند. علاوه بر توزیع پرسشنامه میان صاحبان کسب و کار معمولاً به کمک جمع‌آوری اطلاعات کمی، شاخصی برای موانع کسب و کار ساخته

می‌شود.^{۱۳} مجمع جهانی اقتصاد^{۱۴} از جمله مراکزی است که موانع کسب و کار را با استفاده از این روش اندازه‌گیری می‌کند. این مؤسسه از سال ۱۹۹۷ پرسشنامه‌ای میان مدیران یا مالکان شرکت‌های بزرگ در ۶۰ کشور توزیع و با ترکیب مقادیر عددی، میزان موانع کسب و کار را اندازه‌گیری می‌کند. در این روش مناسب بودن محیط کسب و کار بر اساس معیارهای زیر سنجیده می‌شود:

- درجه باز بودن اقتصاد
- کار آیی سیاست‌ها و ساختار دولتی
- بازارهای مالی
- زیر بناها
- فن آوری
- انعطاف ناپذیری نیروی کار
- نهادهای سیاسی و اقتصادی

برای اندازه‌گیری هر یک از معیارهای فوق چند سؤال در پرسشنامه طرح و سپس با چند متغیر عددی ترکیب می‌شود. مثلاً برای اندازه‌گیری کارایی سیاست‌ها و ساختار دولت، سؤالات و متغیرهای عددی در کادر یک، دیده می‌شود.

کادر یک - متغیرهای پرسشنامه ای و کمی برای سنجش کارایی سیاست‌ها و ساختار دولتی

متغیرهای پرسشنامه‌ای
• آیا مقررات دولتی مانع جدی رقابت‌پذیری مؤسسات اقتصادی نیست؟
• آیا مدیران رشد شرکت‌ها کمتر از ۷۰ درصد وقت خود را صرف گفتگو با دولت‌مداری دولتی می‌کنند؟
• آیا موفقیت که مقررات دولتی ایجاد می‌کند قابل توجه است؟
• آیا قرار مدیران در کشور شما حداقل است؟
متغیرهای کمی
• درصد هزینه دولت به تولید داخلی داخلی
• درصد مالیات بر درآمد اشخاص

در روش مجمع جهانی اقتصاد به سؤال‌های پرسشنامه، وزن یک چهارم و به متغیرهای کمی، وزن سه چهارم داده می‌شود و سپس رتبه هر کشور در میان کشورهای مورد بررسی مشخص می‌شود.

سازمان مدیریت صنعتی ایران در سال ۱۳۸۰ با استفاده از این روش فضای کسب و کار در ایران را محاسبه کرد.^{۱۵} در این بررسی فضای کسب و کار در ایران در مقایسه با ۵۶

کشوری که فضای کسب و کار آنها توسط مجمع جهانی اقتصاد اندازه‌گیری شده بود کمترین امتیاز را بدست آورد. در مطالعه سازمان مدیریت صنعتی برای تکمیل پرسشنامه از ۶ بنگاه مصاحبه شد. تعمیم نتایج مصاحبه با این ۶ بنگاه به فضای ملی کسب و کار در ایران قابل تردید است.

شاخص سازی مجمع جهانی اقتصاد تنها تصویری کلی ارایه می‌دهد و راهکاری مشخص برای بهبود محیط کسب و کار از آن بدست نمی‌آید. این روش بیش از آن که برای سیاست‌گذاری مناسب باشد برای شرکت‌های بین‌المللی مفید است که می‌خواهند از موانع کسب و کار در یک کشور آگاهی یابند. علاوه بر این ایراد تمام مشکلات روش پیمایشی در شیوه سنجش مجمع جهانی اقتصاد وجود دارد.^{۶۱}

روش دیگر برای شناخت موانع کسب و کار "اندازه‌گیری هزینه‌های اداری و زمان سنجی مراحل انجام کار" است. بانک جهانی برای شناخت موانع رشد بخش خصوصی در کشورهای مختلف از این روش استفاده می‌کند. این نهاد که از طراحان اصلی سیاست خصوصی سازی در جهان بود تأکید خود را از خصوصی سازی به محیط مناسب کسب و کار و رفع موانع رشد بخش خصوصی تغییر داده، کشورهای عضو را به بهبود محیط کسب و کار تشویق می‌کند و در این راستا، از سال ۲۰۰۰ مرکزی به نام "کسب و کار"^{۷۱} راه‌اندازی نموده است. این مرکز سالانه موانع کسب و کار در کشورهای مختلف را مقایسه می‌کند و با استفاده از تجارب کشورها راهکارهایی برای بهبود محیط کسب و کار ارائه می‌دهد.

بانک جهانی امور مربوط به کسب و کار را به ده فعالیت تقسیم می‌کند. این ده فعالیت عبارت است از:

۱. ثبت شرکت
۲. اخذ مجوز از شهرداری و سایر دستگاه‌های مرتبط برای تأسیس محل فعالیت
۳. استخدام و اخراج کارکنان
۴. ثبت دارایی در سازمان ثبت املاک
۵. اخذ تسهیلات و اعتبارات
۶. حمایت از حقوق سهامداران کوچک
۷. پرداخت مالیات
۸. تجارت خارجی

۹. صدور حکم در نظام قضایی

۱۰. اعلام ورشکستگی و خاتمه بخشیدن به کسب و کار.

مبنای اندازه‌گیری و مقایسه محیط کسب و کار هر کشور (از جمله ایران) با سایر کشورها، سهولت اجرای ده فعالیت فوق است. رتبه هر کشور بر حسب زمان، هزینه و مراحل انجام دادن هر یک از فعالیت‌های دهگانه فوق مشخص می‌شود. هر قدر سرعت انجام دادن یک فعالیت بیشتر و تعداد مراحل اداری و هزینه‌های آن کمتر باشد محیط کسب و کار آن کشور مناسب‌تر و رتبه آن در مقایسه با سایر کشورها بهتر است. در جدول زیر رتبه ایران در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ آمده است.

رتبه ایران در میان ۱۷۸ کشور جهان در دو سال متوالی به ترتیب ۱۳۱ و ۱۳۵ است. بر این اساس در سال ۲۰۰۸ موانع کسب و کار در ۱۳۴ کشور کمتر از ایران بوده است. در پیوست کتاب چگونگی اندازه‌گیری هر یک از این امور برای اقتصاد ایران و مقایسه آن با کشورهای منطقه خاورمیانه و همچنین کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی، بر اساس گزارش ۲۰۰۸ بانک جهانی آمده است.

سرعت و سهولت تعدادی از دستگاه‌های اداری به کمک شاخص‌های فوق سنجیده می‌شود. مثلاً سهولت ثبت شرکت‌ها سرعت اداره ثبت شرکت‌ها را در ایران

جدول ۰۳. مقایسه موانع کسب و کار در ایران با ۱۷۸ کشور

رتبه کسب و کار	رتبه ایران در سال ۲۰۰۷	رتبه ایران در سال ۲۰۰۸	تغییر در رتبه
رتبه کلی کسب و کار	۱۳۱	۱۳۵	-۴
سهولت شروع کسب و کار	۶۶	۷۷	-۱۱
سهولت اخذ مجوز	۱۵۸	۱۶۴	-۶
سهولت تعامل با کارکنان	۱۴۳	۱۴۱	۳
سهولت ثبت داراییها	۱۴۱	۱۴۳	-۲
سهولت اخذ اعتبار	۶۴	۶۸	-۴
حمایت از سرمایه‌گذاران	۱۵۸	۱۵۸	۰
سهولت پرداخت مالیات	۹۴	۹۷	-۳
سهولت تجارت با خارج	۱۲۹	۱۳۵	-۶
صدور حکم در نظام قضایی	۵۴	۵۷	-۳
خاتمه بخشیدن به کسب و کار	۱۱۰	۱۱۸	-۸

(رجوع شود به پیوست کتاب)

اندازه‌گیری و با سایر کشورها مقایسه می‌کند به همین ترتیب سهولت اخذ مجوز سرعت شهرداری و وزارت نیرو، سهولت پرداخت مالیات سرعت سازمان امور مالیاتی، تجارت خارجی سرعت گمرک، ثبت دارایی سرعت سازمان ثبت املاک و صدور حکم در قوه قضائیه سرعت صدور رأی در دادگاه‌ها را اندازه‌گیری می‌کند. در شبکه اینترنتی بانک جهانی، مراحل دهگانه فوق در تمام کشورهای جهان جمع‌آوری شده است.^{۸۱} به کمک این بانک بزرگ اطلاعاتی می‌توان به طرح‌هایی برای بهبود دستگاه‌های اداری دست یافت.

به کمک شاخص‌های بانک جهانی علاوه بر مقایسه سرعت انجام امور اداری می‌توان هزینه امور اداری را محاسبه کرد. مثلاً هزینه ثبت دارایی در سازمان ثبت اسناد و املاک ایران بیش از ۱۰ درصد ارزش دارایی است در حالی که این نسبت در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی ۴/۳ درصد است. بدین ترتیب در ایران واحدهای اقتصادی برای ثبت دارایی‌ها ۶ درصد بیش از هم‌تایان خود در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی متحمل هزینه می‌شوند (رجوع شود به پیوست کتاب). این تفاوت بدون تردید در هزینه‌های تولید و قیمت تمام شده کالاها خود را نشان می‌دهد.

همه مراحل فوق هزینه و سرعت دستگاه‌های اداری را اندازه‌گیری نمی‌کنند. مثلاً شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران بیانگر حمایت‌های حقوقی از سهامداران خرد در بازار اوراق بهادار است. هر قدر سهامداران خرد آسان‌تر بتوانند علیه مدیران شرکت‌ها شکایت کنند و حقوق خود را بستانند رتبه آن کشور بهتر خواهد بود. اعلام ورشکستگی یا خاتمه بخشیدن به کسب و کار امری است که شرکت‌ها در طول عمر خود یک بار با آن روبرو می‌شوند اما اثری تعیین‌کننده بر عملکرد شرکت‌ها دارد. سرعت اجرای قانون ورشکستگی و چگونگی توزیع دارایی‌های شرکت ورشکسته میان طلبکاران در مشارکت مالی مؤثر است. اگر تأمین‌کنندگان منابع مالی مطمئن باشند در صورت ورشکسته شدن شرکت به آسانی می‌توانند همه یا بخشی از طلب خود را بستانند به مشارکت یا اعطای تسهیلات رغبت بیشتری پیدا می‌کنند. اجرای سریع و درست قانون ورشکستگی به حذف شرکت‌های غیرکارآمد و بکارگیری دارایی‌های آنها در فعالیت‌های دیگر کمک می‌کند.

بخش نخست این کتاب ترجمه گزارش "کسب و کار ۲۰۰۴ بانک جهانی" است و بخش دوم سهولت محیط کسب و کار در ایران را بر پایه مطالعات بانک جهانی ارائه

می دهد. انتخاب گزارش ۲۰۰۴ به این دلیل است که این گزارش می تواند نقطه شروع مناسبی برای آشنایی با بحث بهبود محیط کسب و کار و مسایل مربوط به آن باشد. پس از مطالعه این گزارش، گزارش های سال های بعد را بهتر می توان درک کرد. گزارش سال ۲۰۰۴ ضمن شناساندن روش های بررسی محیط کسب و کار می تواند طرح هایی برای بهبود محیط کسب و کار در ایران نیز ارائه دهد. حتی اگر بانک جهانی رتبه موانع کسب و کار در ایران را در مقایسه با سایر کشورهای دیگر صادقانه اعلام نکرده باشد و تصویری غیر واقع بینانه از ایران ارائه داده باشد آشنایی با روش بانک جهانی و زمان سنجی و هزینه یابی مراحل اداری در ایران یک ضرورت است. کاهش زمان و مراحل اداری به کاهش هزینه های مستقیم و غیر مستقیم تولید منجر خواهد شد و می تواند قیمت تمام شده کالاها و خدمات را کاهش داده و رقابت پذیری واحدهای اقتصادی را افزایش دهد.

سیاست گذاری و نهاد سازی برای بهبود محیط کسب و کار

مسئله بهبود محیط کسب و کار در مراکز تصمیم گیری ایران کاملاً شناخته شده و دولت نیز سیاست هایی برای پیشبرد آن اعلام کرده است. در ابلاغیه سیاست های کلی اصل ۴۴ قبل از فرمان واگذاری شرکت های دولتی، به توانمندسازی بخش خصوصی و تعاونی ها تأکید شده است و جالب تر آن که مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه رئیس جمهور بر بهبود فضای کسب و کار صراحتاً تأکید کردند. در نامه ایشان چنین آمده است: "لذا مقرر نمایم ستادی قوی مسئولیت کامل اجرای اصل ۴۴ را بر عهده گرفته و بدون فوت وقت، زمینه ی رونق و تحرک اقتصادی را با به کارگیری همه ی نیروها و سرمایه های ملی فراهم نماید. اطلاع رسانی همه جانبه و فراگیر جهت دوری از ویژه خواری گروه های خاص، تشویق عموم به سرمایه گذاری و بهبود فضای کسب و کار کشور مورد تأکید است." (نامه مقام معظم رهبری ۱۳۸۵/۴/۱۲)

در ماده ۴۱ برنامه چهارم توسعه، دولت موظف به اتخاذ سیاست های مختلف برای بهبود محیط کسب و کار شده است. در این ماده آمده است: "دولت موظف است در برنامه چهارم، در جهت بهبود فضای کسب و کار در کشور و زمینه سازی توسعه اقتصادی و تعامل با جهان پیرامون، اقدامات ذیل را به عمل آورد:" در ماده ۸ برنامه به دولت اجازه داده شده است بخشی از درآمدهای حاصل از فروش شرکت های دولتی را در قالب

بودجه‌های سنواتی به توانمندسازی بخش خصوصی تخصیص دهد و در ماده ۶ همین برنامه دولت مجاز به استفاده از همه روش‌ها برای توانمندسازی بخش خصوصی شده است.

شورای اقتصاد کشور نیز در مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۶ وزارت اقتصاد را موظف به تهیه سند ملی "رفع موانع بخش خصوصی" کرده است. قوه قضائیه نیز در پایان سال ۱۳۸۶ مرکزی را برای بررسی موانع سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی تأسیس کرد.

این اقدامات و سیاست‌ها نشان می‌دهد لزوم بهبود محیط کسب و کار برای سیاستگذاران در ایران نیز شناخته شده است. اما چرا علیرغم تأکید بالاترین مقام کشور و تصریح مواد قانونی در برنامه چهارم و اسناد دیگر اقدام چندانی برای بهبود محیط کسب و کار صورت نگرفته است؟ چگونه می‌توان با توجه به خواست سیاستمداران و قانونگذاران بهبود محیط کسب و کار در ایران را تسریع کرد؟

رفع موانع رشد بخش خصوصی از جمله کوتاه کردن مراحل اداری که محور رتبه‌بندی بانک جهانی است به دانش و سرمایه چندانی نیاز ندارد، مانند خصوصی‌سازی مستلزم استقبال بخش خصوصی نیست و بنظر نمی‌رسد مخالفان سیاسی و اجتماعی راه آن را سد کنند. کوتاه کردن فرایندهای اداری، علم و مهارتی است که حداقل از دهه ۱۳۵۰ در ایران شناخته شده است و بنابراین کمبود دانش هم در این زمینه وجود ندارد. پس چرا حرکت در این زمینه بسیار کند است و چگونه می‌توان آن را سرعت بخشید؟

انجمن‌های کسب و کار رکن اصلی سیاست‌گذاری برای بهبود محیط کسب و کار هستند اما متأسفانه در ایران هنوز تحرک چندانی در این زمینه نداشته‌اند. در ترکیه نخست وزیری با همکاری اتاق بازرگانی نهاد مشترکی برای این کار تأسیس کرده‌اند. در انگلستان هر وزارتخانه با همکاری انجمن‌های حرفه‌ای و تشکلهای اقتصادی دفتری برای بررسی این امر ایجاد کرده است و در آمریکا اتاق بازرگانی هر دو سال یکبار برنامه‌ای را برای بهبود محیط کسب و کار به دولت پیشنهاد می‌دهد.^{۱۹}

در برخی از کشورها انجمن‌های کسب و کار در شناساندن موانع کسب و کار و ارائه راهکار بیش از دولت نقش داشته و در این زمینه پیشتاز بوده‌اند. اتاق بازرگانی پاکستان با همکاری دولت آن کشور فرآیندهای ترخیص و صدور کالا از گمرک آن کشور را بهبود بخشیده و برخی از مراحل انجام کار را رایانه‌ای کرده است. اتاق بازرگانی برزیل با راهاندازی یک شبکه درونی اطلاع‌رسانی در کاهش کلاهبرداری میان بازرگانان گام مهمی

برداشته است. در این شبکه افرادی که چک آنها برگشت خورده است و یا به تعهدات قانونی خود عمل نکرده‌اند به بازرگانان عضو معرفی می‌شوند.^{۲۰} انجمن کارآفرینان اکوادور نقش مهمی در تغییر محیط کسب و کار این کشور داشته است. این انجمن فساد در دولت را مهمترین مانع کسب و کار و مهمترین مانع رشد بخش خصوصی شناسایی کرد و برای کاهش فساد توان خود را سازمان داد. انجمن کارآفرینان اکوادور پس از مطالعه و بررسی‌های مختلف به این نتیجه رسید که تعارض و شفاف نبودن قوانین، مهمترین علت فساد در این کشور است و برای رفع این مشکل بیش از ۹۲ هزار قانون این کشور را بررسی نمود. انجمن پس از یک بررسی گسترده، برای رفع ابهام در قوانین اکوادور، شیوه‌ای را به مجلس پیشنهاد داد که مورد قبول قرار گرفت.

همانطور که در این نمونه‌ها می‌بینیم انجمن‌های کسب و کار، رکن اصلی شناسایی و سیاست‌گذاری برای رفع موانع بخش خصوصی هستند. این تشکل‌ها با نظر سنجی از اعضای خود مهمترین موانع بخش خصوصی را شناسایی می‌کنند و سپس برای کاهش یا رفع آن سیاست‌هایی را به دولت پیشنهاد و گاهی حتی خود اقداماتی را سازمان می‌دهند. صاحبان کسب و کار از آنجا که خود دارای دانش عملی هستند و ذینفع‌اند و بیشترین فایده بهبود محیط کسب و کار عاید ایشان می‌شود، موتور محرکه بهبود محیط کسب و کار به حساب می‌آیند. در ایران نیز اگر انجمن‌های کسب و کار مانند اتاق بازرگانی یا انجمن مدیران صنایع یا سایر تشکلها، بهبود محیط کسب و کار را به عنوان امری مهم و اولویت دار بپذیرند آنگاه از دولت و مجلس می‌خواهند برای بررسی مستمر این مسئله، سازمان یا نهادی تأسیس شود. به عبارت دیگر، حرکت باید از صاحبان کسب و کار آغاز شود.

متأسفانه صاحبان کسب و کار در ایران کمتر به تدوین برنامه و راهکار برای حل مشکلات خود همت گمارده‌اند. گلایه و شکواییه و برگزاری جلسه با تصمیم‌گیران، شکل غالب رفتار صاحبان کسب و کار در ایران است. استمهال وام و معافیت مالیاتی، محور عمده مذاکرات دولت با بخش خصوصی در ایران است. بهبود محیط کسب و کار باید جز مطالبات صاحبان کسب و کار باشد و سپس دولت برای تأمین این مطالبات به نهادسازی اقدام کند.

به روش بانک جهانی در سنجش و بهبود محیط کسب و کار انتقادهایی وارد است. روش بانک جهانی یکی از نازل‌ترین موانع کسب و کار را مشخص می‌سازد. موانعی مانند بی‌ثباتی در قوانین و مقررات، ناامنی‌های سیاسی و اجتماعی، گستردگی فساد در نظام اداری از

جمله موانع کسب و کار هستند که با روش بانک جهانی نمی توان به آنها پرداخت. اما بنظر می رسد همین سطح نازل از موانع کسب و کار نقطه مناسبی برای پرداختن به این موضوع باشد.

انتقاد دیگر یکسان انگاری مراحل قانونی با مراحل واقعی است. مبنای محاسبه در روش بانک جهانی مصوبات قانونی است اما می دانیم آنچه در عمل رخ می دهد با قانون انطباق کامل ندارد. در بسیاری از موارد مراحل اداری کندتر از مقررات و بخشنامه های مصوب است. بدین ترتیب رتبه کشورها ممکن است انطباق کامل با واقع نداشته باشد.

علاوه بر انتقاد فوق، اندک بودن مراحل اداری و سرعت بیشتر لزوماً پدیده مطلوبی نیست. عدم نظارت بهداشت در گمرک به کاهش زمان ترخیص کالا منجر می شود اما عدم رعایت استانداردهای بهداشتی. هر چند برای صاحبان کسب و کار در کوتاه مدت مطلوب است اما با منافع مصرف کنندگان مغایرت دارد و همچنین بر رقابت پذیری بنگاه ها در بلند مدت تأثیر منفی دارد. سهولت امور مربوط به کسب و کار در صورتی می تواند به عنوان یک هدف تلقی شود که منافع مصرف کنندگان و سایر ذینفعان نیز تأمین شود.

در روش بانک جهانی آنچه بر اندک بودن مراحل اداری تأکید می شود که مسایلی از قبیل منافع مصرف کنندگان و هماهنگی با منافع سایر ذینفعان فراموش شده است. نظام اداری سریع هنگامی مطلوب است که از طریق یکپارچه سازی اطلاعات و با رعایت منافع جامعه تحقق یافته باشد. در غیر اینصورت تسریع در انجام امور اداری مشکلات تازه ای بوجود می آورد.

- ۱- www.businessweek.com/magazine/content/05_34/b394847v8.htm - ۶۰k
- ۲- www.worldbank.org/ch
- ۳- در خصوص مقایسه تجربه چین و روسیه و دو راهبرد خصوصی‌سازی یا رفع موانع بخش خصوصی، مقالات فراوانی وجود دارد. به طور مثال رجوع کنید به:
- خیرخواهان، جعفر (مترجم)، استگلitz، جوزف "اصلاحات به کجا می‌رود" در "حکمرانی خوب" مرکز پژوهش‌های مجلس. سال ۱۳۸۳. صفحه ۱۳۹
- احمد میدری (۱۳۸۴) "خصوصی‌سازی مردمی از منظر مکتب نهادگرایی" نشریه جامعه و اقتصاد شماره ۵
- Dyck, A October, 2000, "Privatization and Corporate Governance: Principles, Evidence and Future Challenges". Harvard Business School, Boston.
- Stiglitz, E. Joseph. June 1999. "Corporate Governance failures in the Transition" www.worldbank.org
- ۴- استگلitz، ژوزف، "اصلاحات به کجا می‌رود" در کتاب "حکمرانی خوب بنیاد توسعه" صفحه ۱۳۲ و Kornai, Janos "Ten Years After" The road to a Free Economy. Annual Conference on Development economics April 2002.
- 5- Hernando De Soto (1989) "The Other Path" Harper & Row Publisher
- ۶- این کتاب در سال ۱۳۸۵ به فارسی ترجمه شد: دسوتو، هرناندو (۱۳۸۵) "راز سرمایه، چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟" مترجم فریدون تفضلی، نشر نی
- ۷- دسوتو، هرناندو (۱۳۸۴) "چرا اقتصاد غیررسمی اهمیت دارد" مترجم، جعفر خیرخواهان نشریه فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۲۰، سال هفتم، بهار ۱۳۸۴
- 8- De Soto "The Mystery of Capital" p.20
- 9- World Bank, 2004 "World Development Report 2005: A Better Investment Climate for Everyone" A Copublication of The World Bank and Oxford University Press
- ۱۰- برای مرور موانع کسب و کار در شرکت‌های کوچک رجوع کنید به: سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) و سازمان مدیریت صنعتی ایران (۱۳۸۴) "استراتژی افزایش مشارکت مؤثر و رقابتی بخش صنایع کوچک و متوسط" مؤسسه خدمات فرهنگی رسا در سال ۱۳۸۴ منتشر شده است.
- ۱۱- علوی تبار، علی رضا، میدری، احمد "معیارهای اجتماعی در ارزیابی سیاست‌های اقتصادی" نشریه راهبرد شماره ۲، زمستان ۱۳۷۲، صفحات ۲۲-۷.
- ۱۲- برای شناخت راهکارهای افزایش کارایی شرکت‌های دولتی رجوع کنید به: ژوزف سابا، راسل مویر (۱۳۸۵) "بهبود عملکرد شرکت‌های دولتی" مترجمین لیلا بندری و یوسف جسمی انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس
- ۱۳- در فصل اول کتاب بیش از ده روش برای سنجش موانع کسب و کار آمده است. سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی با استفاده از این روش‌ها موانع کسب و کار در کشورهای مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند.
- ۱۴- World Economic Forum www.weforum.org
- ۱۵ سازمان مدیریت صنعتی (۱۳۸۰) "ارزیابی و سنجش فضای کسب و کار ملی ایران" گزارش منتشر شده است
- ۱۶ رجوع شود به فصل اول همین کتاب.



۱۷-Doing Business

۱۸-www.doingbusiness.org

۱۹- WORLD BANK, A Better Investment Climate, ۲۰۰۵.Chapter ۴

همچنین رجوع شود به WWW.CIPE.ORG

۲۰- برای مروری بر نقش انجمن‌های کسب و کار در بهبود محیط کسب و کار مراجعه کنید به شبکه اینترنتی WWW.CIPE.ORG و به ویژه کتابچه زیر:

Center for International Private Enterprise(2003) "How to Advocate Effectively: A Guidebook for Business Associations" www.cipe.org



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی